

انسان شخصیت ترتیب

نگرشی دقیق و محققانه به دستورهای الهی و روش‌های تربیتی انبیاء عظام به ویژه تعالیم گرانقدر و حیات بخش اسلام نشان می‌دهد پس از مسئله توحید و توجه به یگانگی خداوند متعال محور اصلی این تعلیمات انسان و برنامه آن انسان سازی و رشد و تکامل و سراج او بسمت الله است و هدف از سعادت و خوشبختی وی را در بارور کردن تمام استعدادها و نیروها و توانها در تمام ابعاد وجودی او و ایجاد یک شخصیت تمام عیار الهی میدانند و باین مقصود نمی‌توان دست یافت مگر آنکه این ابعاد بنحوی شناخته شده و پرورش یافته و تکامل یابد. با عنایت به همین مقصد در گفتار زیر سعی شده است گوشه‌ای از رابطه انسان با



دکتر محمد رضا حسینی

تربیت ، تربیت با شخصیت انسانی و همچنین عوامل موثر و زمینه ساز را در این جهت بازگو کنیم بسمه امبدآنکه در پی نمودن این راه چهره های انسانی انسانهایی را ترسیم نمایم که مولانا در جستجوی آنان بوده است :

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیوو دد ملولم وانسانم آرزوست

گفتم که یافت می نشو دستم ایم ما

گفت آنکه یافت می نشود آنم آرزوست

گفتار این بحث شامل چهار بخش زیر خواهد بود

۱- تعریف شخصیت

۲- انواع شخصیت

۳- عوامل موثر در ایجاد شخصیت

۴- اصول به پروری در شخصیت

بخش اول : تعریف شخصیت :

از بین تعریف های گوناگون که برای شخصیت شده تعریف زیر را عنوان می کنیم :

شخصیت سازمان پویا و زنده ای است که بوسیله صفات و خصوصیات و کیفیاتی که جنبه دائمی داشته باشند ، تظاهر می نماید و فرد را از سایرین ممتاز می سازد و سبب ارتباط او با محیط و مردم میگردد .

البته گاهی ممکن است یکی از صفات فردی مانند طرز بیان ، افکار و عقاید ، حالات عاطفی و هیجانی ، عادات و مهارتها ، حرکات و رفتار بارز تر از دیگران باشد و سایر صفات را تحت الشعاع قرار دهد . ضمناً " این نکته گفتنی است که تعداد صفات تشکیل دهنده شخصیت را که یکی از دانشمندان از فرهنگ لغات استخراج کرده بالغ بر ۱۸۰۰ نوع دانسته و بدست آورده است و یا توجه به همین تنوع صفات و ترکیب آنهاست که به تعداد چهارمیلیارد جمعیت و افراد روی زمین میتوان شخصیت پیدا نمود .

قرآن کریم شخصیت را با اصطلاحات شاکله (در آیه ، شریفه : کل یعمل علی شاکلته) و فطرت (در آیه شریفه : خاقم وجهک للددین حنیفاً " فطره الله للذی فطرناس علیها) و نفس با تعبیرات نفس زکیه ، لواحه ، اماره ، مطمئن و اشاره فرموده است .

بخش دوم : انواع شخصیت

پس از آشنائی با تعاریف شخصیت و شناخت کلی مفهوم آن ، قبل از اشاره به انواع

شخصیت دو نکته زیر را تذکر می دهیم : یکی

اینکه شخصیت چیزی نیست که بعدها در زمان و بامکان خاصی و از راه مخصوصی به افراد افزوده شود بلکه از همان لحظه انعقاد نطفه و باروری ظاهر شده و در طول حیات فرد تکامل می یابد .

دوم اینکه هیچ فردی بدون شخصیت نیست و بالاخره هر شخصی یک نوع شخصیت دارد که ممکن است متعادل یا نامتعادل ، سالم یا بیمار قوی یا ضعیف باشد .

انواع شخصیت عبارتند از :

۱- شخصیت سالم ۲- شخصیت ناسالم ۳- نامتعادل ۴- شخصیت واقعی ۵- شخصیت کاذب ۶- شخصیت نمونه و اسوه :

طرفه مردان و طرفه زنانی در روزگار هستند که وجود آنها معرف ارزشها بوده که پرتوشخصیتشان دیوار قرون و اعصار را شکسته و از اقصی نقاط زمان و مکان نلولو و درخشش دارند و نور افشانی می کنند ، اندیشه و فکر بلند و اعمال و کردار و بیان و گفتارشان حتی نگاه آنان مانند کیمیایی است که در دیگران اثر می گذارد و آنها را دگرگون می نماید و باید اذعان کنیم که چنین پسروروش یافتگانی را جز در مکتب وحی و رسالت نتوان یافت .





به ذره کر نظر لطف بو ترا ب کند
 به آسمان رود و کار آفتاب کند
 بخش سوم : عوامل موثر در ایجاد شخصیت :
 در ایجاد شخصیت هر فرد سه دسته عوامل زیر
 موثر می باشند :

۱- عوامل وراثتی (تکوینی)

۲- عوامل محیطی (تربیتی)

۳- عوامل اعتقادی (ایدئولوژیکی)

الف) اثر و نقش عوامل ارثی در شخصیت :
 صفات ارثی از راه ژنهای مخصوصی از پدر و مادر
 به فرزندان انتقال می یابد و بطور کلی ایسین
 صفات شامل ویژگیهای زیر می باشد :

۱- وضع قیافه، قد و وزن، رنگ پوست و مو
 و حالت چشم و سلامت و ندرستی اعضا و اندامها
 ۲- توانائی عقلانی : قدرت تمیز و تشخیص و
 نیز بینی افراد نسبت به مسائل زندگی فردی
 و شغلی

۳- استعدادها و توانائیهای جسمانی

۴- حالات هیجانی که محصول فعالیت دستگاه
 عصبی و فعالیت غدد داخلی و هر مونها میباشد.

ب) حالات روحی و عاطفی که زمینه ارثی دارند
 اثر و نقش محیط در شکل دادن شخصیت :
 محیط پرورش دهنده صفات ارثی و زیستی فرد
 است که در دوره های مختلف رشد و تکامل میابد
 (دوره جنینی - دوره نوزادی - دوره کودکی -
 دوره نوجوانی - دوره جوانی - دوره کمال) در این
 دوره ها افرادی که نقش اصلی را در تشکیل و تکوین
 شخصیت دارند، عبارتند از :

۱- پدر و مادر

۲- سایر افراد خانواده (مانند خواهر، برادر
 عمو، عمه، دایی، خاله، مادربزرگ، پدر بزرگ)



۳- همسالان ، دوستان و همبازیهای کودک

۴- معلم و مربی با ۶ قدرت و توانائی وی :

- قدرت پاداش دهندگی (از راه نمره دادن)
- قدرت مجبورکنندگی (از راه تکلیف درسی)
- قدرت قانونی (از راه وضع مقررات در کلاس)
- قدرت مرجعی (تقلید دانش آموز از معلم)
- قدرت تخصصی (بجهت معلومات و تجربه)
- قدرت روانی و عاطفی (بجهت خصوصیات
 اخلاقی و رفتاری معلم)

۵- نقش رهبران اجتماعی، تاریخی و مذهبی
 (نمونه آن، دگرگونی عظیم اجتماعی بعد از
 انقلاب اسلامی است)

عشق عوامل اجتماعی دیگر از قبیل : وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون - سینما-ویدئو و همچنین روزنامه‌ها و مجلات و نشریات و کتابها و فیلم و نوارهای گوناگون)

(ج) نقش اعتقاد و ایدئولوژی در شخصیت :

اعتقابه توحید و یگانگی خداوند و ایمان به عدل و نبوت و امامت و ولایت و روز رستاخیز عبادت و مناجات و نیایش به درگاه باریتعالی و عمل به وظایف و طرفداری از حق و مخالفت با باطل و طرفداری از مظلومین و محرومین و مستضعفین و مبارزه علیه ستمگران و مستکبرین - تزکیه نفس و همه و همه . . .

شخصیتی والا و الهی می‌سازد که ابتدایش قولوا لا اله الا الله تغلحوا و پایانش قرب جوار رحمت حق و دریافت خطاب با اینها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک را ضربه مرضیه خواهد بود خلاصه الهی شدن ، الهی زبمتسن الی خواستن و الهی عمل کردن و

بخش چهارم : اصول به پیوری و شخصیت انسان با بررسی که دانشمندان ، روانشناسان در زندگانی شخصیت‌های ممتاز و مورد احترام جوامع بشری نموده‌اند تا اثر سازندگی آنها را در شخصیت خودشان و شخصیت تربیت یافتگان مکتبشان بدست آورند ، صفات و سجاایاتی که موجب محبوبیت و پذیرش اجتماع و موفقیت و پیروزی آنها بوده است ، شامل :

عقل و خرد ، ایمان و عقیده ، شیوایی گفتار و بیان ، حسن رفتار و کردار ، عفت و پاکدامنی مراعات پاکیزگی و نظافت ، احترام به شخصیت دیگران ، توجه به خواسته‌ها و تمایلات دیگران صداقت و درستکاری ، گذشت و فداکاری ، مردم دوستی و ایثار و . . . می باشد .

عمولا " ما افرادی را دوست می داریم که آنها ما را دوست دارند به این معنی که همیشه افرادی که از نظر فکری و تربیتی و شخصیتی در یک افق هستند ، توافق روحی و اخلاقی با هم دارند و با هم دوست می شوند . پس به دوستی‌ها مخصوصا " دوستی های قدیمی ارزش قائلیم شویم و دوستی های قدیمی را با یک تلفن ، با یک احوالپرسی یا با یک هدیه تجدید و تقویت نمایید . دشمنی های کهنه و قدیمی را فراموش کنید . و بهیچوجه به خاطر نیاورید ، در آشتی و مصالحه پیشقدم و گشاده رو باشید و همیشه سعه صدر داشته باشید .

خودخواهی ، خودبینی و ارضاء خواسته‌های نفسانی و شخصی مخصوصا " در حضور دیگران ، (مانند خوردن و نوشیدن ، خوابیدن ، اظهار تمایل به همسر و فرزند در برابر دیگران) باعث پائین آمدن شخصیت فرد می باشد در صورتیکه توجه و محبت و مراقبت از همسر و فرزند ، برعکس می تواند باعث بالا رفتن شخصیت فرد گردد در تابلوی شماره ۱ صفحه بعد صفات و نشانه‌های ضعف شخصیت را ملاحظه می کنید و در تابلوی شماره ۲ صفات و نشانه های شخصیت‌های ممتاز آورده شده است .

نشانه‌های ضعف شخصیت

از خود تعریف کردن

اضطراب

بلند صحبت کردن

ترس

تقلید کورکورانه

تهاجم و پرخاشگری



تهدمت و غیبت

چشم داشت به اموال دیگران

حسادت

خشم و عصبانیت مداوم یا افراطی

دروغگوئی

زودرنجی

صحبت دیگران را قطع کردن

طعنه زدن

قهر و کناره گیری

کج خلقی

لاف زدن

منفی باقی و بدبینی

ناسزاگوئی

نفاق و دورویی

وسواس

نشانه های شخصیت والا و ممتاز

آگاهی نسبت به مسائل زندگی

اتکاء بنفس

اخلاص در عمل

ادب

ارزش خویش را دانستن

اصولی و منظم بودن در کارها

ایثار

ایمان و عقیده

بشردوستی و برادری

تقوی و پرهیزکاری

حق شناسی و حق طلبی

حمایت از مظلومان و زیردستان

خلاقیت و ابتکار

خودجوشی و خودسازی

خوش بینی

خوشروئی و حسن خلق

دقت

گذشت و اغماض

دوران دیشی و حسن تدبیر

رازداری و امانتداری

روشن بینی و بیداردلی

سخاوت و بخشش

صبر و بردباری

فروتنی و تواضع

قبول مسئولیت

تحمل و صبر در برابر ناملازمات زندگی

خانوادگی ، شغلی ، اجتماعی ، شخصی را

مقاوم و پخته می سازد . پس واقعیات زندگی

را مورد پذیرش قرار دهید و در برابر واقع

نصب و خشونت نداشته باشید و برای هر واقعیست

راه حل عاقلانه جستجو کنید زیرا واقع بینانی

همانطور که اشاره شد یکی از عوامل بالابرنده

شخصیت است ظرفیت اخلاقی افراد نشانست

شخصیت آنهاست بطوریکه هرگاه شخصی مورد

توجه و احترام زیاده از حد قرار گرفت ، خود را کم

نکند و غرور بر او غالب نگردد .

تربیت چنین ظرفیتی باید از کودکی آغاز

گردد و این از وظایف والدین مخصوصاً "سازران

گرامی و عزیز است که کودکان را به چنین نکات

حقیقی تربیتی و اخلاقی و سرنوشت ساز متوجه

سازند .

هیچگاه در قضاوت عجله نکنید ، بهیچوجه

پیش داوری ننمائید . جوانب هر موضوع

را بخوبی بشنوید و نیکو بسنجید پس از مطالعه

و دقت اعلام نظر روای بنمائید ، زیرا یک قضاوت

غلط و یا ضعیف از طرف شما باعث پائین آمدن

ارزش و شخصیت شما می گردد .

بدانید که از روی شوخی ها و عکس العملهای

فرد نسبت به شوخی ها میتوان ارزش فرد را تعیین

کرد.

توجه به ارزشهای والای معنوی و حالت تقوی و پرهیزکاری، شخصیت انسانی را اوج می دهد. قریب شدن و قریب بودن شخصیت شخص با مفاهیم و ارزشهای متعالی و کلی انسانها مانند علوم الهی و دانشهای گسترده بشری، معنویات و عرفان، خواستههای نودههای عظیم مردم مخصوصاً "مستضعفین و محرومین صرفنظر از نژاد دین، رنگ و... شخصیت انسان را بالا میبرد بالا می برد تا به اعلی علیین می رساند.

خلاصه مطالب گفته شده را در ۸ اصل بعنوان اصول هشت گانه به پروری در جدول زیر ملاحظه می کنید.

(به امید پرورش چنین شخصیت‌های انسانی والا و ارزنده)

اصول به پروری در شخصیت انسان

اصل اول: بپذیریم که پایه و اساس انسانیت انسان توجه به واقعیت جهان هستی ایمان به الله و عدالت اوست.

اصل دوم: بپذیریم که خودسازی مستمر در تمام جنبه‌های روحی، اخلاقی و علمی باعث رشد شخصیت خواهد شد.

اصل سوم: بدانیم که در تشکیل شخصیت عوامل ارثی (پدر و مادر) و عوامل محیطی (تربیت در خانواده و مدرسه و اجتماع) نقش اصلی و اساسی را دارند.

اصل چهارم: بدانیم که شخصیت، هویت انسانی انسان را میسازد و ما تزکیه و تربیت می توان در جهت به پروری آن کوشید.

اصل پنجم: اعتقاد داشته باشیم که اخلاق رکن اصلی سازندگی، شخصیت انسان است و

پیامبر بزرگوار و گرامی اسلام فرموده است:

انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

اصل ششم: اعتقاد داشته باشیم که سلامت روح و روان آدمی مانند سلامت جسم او نیاز به مراقبت دارد.

اصل هفتم: بدانیم که مسئولیت دادن و مسئولیت خواستن و توجه به اختیار و آزادی و نواخواهی در کودکان و نوجوانان از ارکان اصلی رشد شخصیت است.



اصل هشتم: بدانیم که معاشرت و همنشینی نقش بزرگی در شکل گیری و دگرگونی شخصیت افراد دارد.